

از نگاه دیگری





مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی اهل بیت علیهم‌السلام

غلامحسین زینلی

ضرورت شناخت اهل بیت علیهم‌السلام

شاید برخی چنین تصور کنند که گفتگو در باره «اهل‌بیت» و تلاش در جهت شناخت آنان، مسأله‌ای است متعلق به گذشته و در عصر حاضر، اثری بر آن مترتب نیست. بنابراین، چه ضرورتی دارد که درباره آن به بحث و گفتگو پردازیم؟

اما اگر به کلام خداوند و سنت نبی گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مراجعه و در آن بیندیشیم، به وضوح در خواهیم یافت که مطالعه و پژوهش در باره این مسأله و شناخت مفهوم و مصداق اهل بیت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای امت اسلامی، امری کاملاً حیاتی است.

خداوند در قرآن کریم، اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را از هرگونه آلودگی پاک و پاکیزه دانسته^۱ و محبت و دوستی آنان را به عنوان مُزِد رسالت نبی گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بر همه مسلمانان فرض دانسته است.^۲

رسول گرامی نیز که سخن ایشان تأیید شده با کلام خداوند می‌باشد،^۳ در حدیث متواتر «ثقلین» با بیان جمله «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي...»^۴ اهل بیت را همتای کتاب خدا به شمار آورده و استمرار هدایت امت اسلامی را پس از خود، تنها در پرتو تمسک به قرآن و عترت میسر دانسته است. و اعلام داشته که این دو، تا قیام قیامت با هم بوده و هیچگاه از یکدیگر جدا نخواهند شد.



«وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ...»^۵

و در حدیث «سفینه» اهل بیت علیهم‌السلام را به کشتی نوح تشبیه کرده و نجات امت اسلامی را تنها در پرتو تمسک به کشتی هدایت آنان، میسر دانسته است.^۶

آری، تأمل در کلام خداوند و سخنان رسول گرامی، و نقش اهل بیت در هدایت و وحدت امت اسلامی، ضرورت شناخت مصداق اهل بیت رسول خدا علیهم‌السلام را بیش از پیش روشن می‌سازد. و هر فرد مسلمان متعهدی را وامی‌دارد تا به درستی، این اسوه‌های طهارت و پاکی را بشناسد و آنان را الگوی زندگی خود قرار دهد، و در جهان پر حادثه کنونی، بر کشتی نجات اهل بیت سوار شده و خود را به ساحل نجات رساند. این همان حقیقتی است که پیشوای مذهب شافعی نیز در سروده خود به آن اشاره دارد. وی می‌گوید:

وَلَمَّا رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ ذَهَبَ بِهِمُ
مَذَاهِبُهُمْ فِي أْبْحَرِ الْغَيِّ وَالْجَهْلِ
رَكِبْتُ عَلَيَّ اسْمَ اللَّهِ فِي سَفْنِ النِّجَا
وَهُمُ أَهْلُ بَيْتِ الْمُصْطَفَى خَاتَمِ الرُّسُلِ^۷

«هنگامی که دیدم مذاهب گوناگون، مردم را به دریا‌های جهل و گمراهی سوق داده است. با نام خدا بر کشتی‌های نجات اهل بیت مصطفی علیه‌السلام خاتم پیامبران، سوار شدم.»

پس چنان نیست که این مسأله، متعلق به روزگاران گذشته باشد، بلکه همانگونه که تدبیر در قرآن و پیروی از کتاب الهی، مسأله‌ای است نو و مورد نیاز؛ شناخت و پیروی از همتای قرآن، یعنی اهل بیت پیامبر علیه‌السلام نیز مسأله‌ای است تازه و مورد نیاز.

مراد از اهل بیت علیهم‌السلام

مقصود از اهل بیت در این نوشتار، معنای لغوی آن، که شامل همه بستگان و همسر و فرزندان می‌شود نیست. بلکه مقصود، اصطلاحی است که قرآن کریم آن را در آیه تطهیر در مورد اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام به کار برده است.

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.»

اقوال مفسران در مصداق اهل بیت علیهم‌السلام

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم و سخنان پیامبر علیه‌السلام کلمه اهل بیت را در اهل بیت پیامبر خدا علیهم‌السلام استعمال کرده‌اند و این مسأله به گونه‌ای شهرت یافته که اراده معنای دیگری از این کلمه، محتاج

قرینه است.^۸ با این وجود، شماری از مفسران اهل سنت در این مسأله تشکیک نموده و ضمن پذیرفتن اهل بیت پیامبر (علی، فاطمه، حسن و حسین) به عنوان مصادیق آیه، اشخاص دیگری را نیز جزو مصادیق اهل بیت دانسته‌اند. اهم اقوال آنان چنین است:

۱. گروهی، به جز علی، فاطمه، حسن و حسین، همسران پیامبر را نیز جزو اهل بیت دانسته‌اند.^۹

۲. برخی مصداق اهل بیت را خود پیامبر و همسران حضرت دانسته‌اند.^{۱۰}

۳. برخی معتقدند منظور از اهل بیت، تنها زنان پیامبرند. این قول را عکرمه به سعید بن جبیر و ابن عباس نسبت داده است.^{۱۱}

۴. برخی معتقدند مصادیق اهل بیت همه بنی هاشم‌اند، یعنی آل علی، و آل عقیل، و آل جعفر، و آل عباس. این قول از زید بن ارقم نقل شده است.^{۱۲}

۵. عقیده بسیاری از مفسران بر این است که منظور از اهل بیت، پیامبر خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین هستند.

این قول را شماری از همسران پیامبر خدا مانند: ام‌سلمه، عایشه و زینب و جمع زیادی از صحابه مانند: سعد بن ابی وقاص، ابوسعید خدری، وائله بن اسقع، ابن عباس، علی بن ابی طالب، حسن بن علی، جعفر بن ابی طالب، جابر بن عبدالله، عمر بن ابی سلمه، براء بن عاذب، و ثوبان، غلام پیامبر خدا، نقل کرده‌اند.^{۱۳}

در پاره‌ای از روایات، افزون بر افراد یادشده، در ذیل قول پنجم، از سایر امامان دوازده گانه هم نام برده‌اند.^{۱۴}

شیعه امامیه، بر این که آیه تطهیر همه امامان دوازده گانه را شامل می‌شود، اتفاق نظر دارند.^{۱۵}

اکنون باید دید آیه شریفه چه کسانی را شامل می‌شود، و چه کسانی از دایره شمول آیه خارج‌اند.

ما برای بررسی این مسأله، از قراین درونی و برونی آیه مورد نظر، مدد می‌جوییم.

قرائن درونی

۱. کسانی که همسران پیامبر خدا را مشمول آیه می‌دانند، به این نکته تمسک کرده‌اند که



جملات پیش و پس از آیه تطهیر، همگی درباره همسران پیامبر ﷺ است. اما باید توجه داشت که مسأله یادشده نه تنها دلالتی بر شمول آیه نسبت به زنان پیامبر ﷺ ندارد، بلکه همین مسأله، خود قرینه روشنی است بر این که مخاطب آیه تطهیر، کسانی غیر از همسران پیامبرند؛ چرا که در جملات پیشین و پسین آیه، تمامی ضمایر به صورت مؤنث آمده (کنتن، امتعکن، اسرحکن، تردن، لستن، اتقتین، فی بیوتکن).

در حالی که در آیه تطهیر، جهت خطاب تغییر کرده و ضمایر آن، به صورت مذکر «عَنکُمْ»، «یُطَهِّرْکُمْ» آمده است و این به وضوح دلالت دارد که مصداق آیه کسانی غیر از همسران پیامبرند.

۲. لسان آیه تطهیر، لسان مدح و ستایش و حاکی از مقام بلند اهل بیت است؛ در حالی که لسان آیه‌های مربوط به همسران پیامبر ﷺ لسان پرهیز دادن و ترساندن است. به همین دلیل، هرگز نمی‌توان هر دو لسان را مربوط به یک گروه دانست.

۳. مفاد آیه تطهیر، اعطای نوعی مصونیت از گناه و لغزش و عصمت دارندگان مقام تطهیر است؛ در حالی که همسران پیامبر ﷺ به اتفاق مسلمانان، مصون و معصوم از خطا و گناه نبوده‌اند.

۴. منظور از «اراده» در آیه شریفه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» اراده تکوینی است. حال با توجه به این نکته، می‌توان پرسید: آیا مراد از زدودن پلیدی از اهل بیت ﷺ در آیه شریفه، دور ساختن و دفع پلیدی است؛ یعنی این که آنها از آغاز هیچ‌گونه پلیدی نداشته‌اند. یا برداشتن و رفع آن است؟ یعنی آلودگی بوده اما خداوند آن را برطرف کرده است.

اگر فرض نخست منظور باشد، در این صورت تمام زنان پیامبر ﷺ یا دست‌کم بیشتر آنان، پیش از اسلام در پلیدی (شرک و کفر) بوده‌اند و در نتیجه از حکم آیه خارج‌اند.

و اگر فرض دوم منظور باشد، (برداشتن پلیدی) چاره‌ای نداریم جز آن که پیامبر خدا ﷺ را از حکم آیه خارج بدانیم؛ زیرا در زندگی پیامبر هیچ‌گونه پلیدی وجود نداشته است. در حالی که پیامبر خدا به طور قطع در حکم آیه داخل است. پس فرض نخست ثابت می‌شود و فرض دوم منتفی می‌گردد و زنان پیامبر به طور قطع از حکم آیه خارج می‌گردند.^{۱۶}

۵. مقصود از اهل بیت در آیه تطهیر، اهل بیت پیامبرند که منحصراً ساکن یک خانه بوده‌اند؛ یعنی فاطمه زهرا، امیرالمؤمنین و دو فرزندشان حسن و حسین ﷺ. و این که برخی

گفته‌اند مقصود از آیه، همسران پیامبر خدا ﷺ هستند، درست نیست، چون خانه‌های همسران آن حضرت یک خانه نیست، بلکه خانه‌های متعدد بوده است که اینان در آن ساکن بوده‌اند. دلیل این مطلب، سخن خداوند در صدر آیه تطهیر است که می‌گوید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ»^{۱۷} که خطاب متوجه کسانی است که در خانه‌های پیامبر ﷺ می‌زیسته‌اند.

قرائن برونی:

افزون بر قرائن درونی آیه، قرائن دیگری نیز وجود دارد که همسران پیامبر ﷺ را از شمول آیه تطهیر خارج می‌سازد.

از جمله:

۱. بدون شک در آیه تطهیر، از سوی خداوند مقام بزرگی برای اهل بیت ثابت و به همه مسلمانان اعلام شده است. حال چگونه می‌توان تصور کرد که همسران پیامبر ﷺ از سوی خداوند به چنین مقام ارجمندی نایل آمده باشند، اما خود آنان از وجود چنین فضیلتی برای خود غافل باشند؛ چنان که حتی یک نفر از آنان، برای یک بار هم که شده، چنین فضیلتی را برای خود یاد آور نشده و دیگران را بدان توجه نداده باشد؟!

نه تنها تاریخ از آنان چنین چیزی نقل نکرده، بلکه از قول خود آنان نقل کرده که گفته‌اند: آیه تطهیر در حق غیر ایشان (یعنی خمسۀ طیبه) نازل شده است.^{۱۸}

۲. محدثان شیعه و سنی، در شأن نزول آیه تطهیر، روایات متواتری از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند که بر اساس آن روایات، مصادیق اهل بیت عبارت‌اند از: پیامبر خدا ﷺ، علی رضی الله عنه، فاطمه رضی الله عنها، حسن و حسین رضی الله عنهما.

به نظر می‌رسد بهترین راه برای تعیین دقیق مصادیق اهل بیت، مراجعه به روایاتی است که از قول خود پیامبر ﷺ، به تفسیر آیه شریفه می‌پردازد.

آری، چگونه می‌توان باور کرد که پیامبر خدا ﷺ در حدیث ثقلین و سفینه و امان و... تمسک به اهل بیت رضی الله عنهم را مایه سعادت دنیا و آخرت امت اعلام کند، اما با این وجود، اهل بیت خود را معرفی نکند و مصادیق اهل بیت را در هاله‌ای از ابهام باقی گذارد؟

حقیقت آن است که پیامبر ﷺ در مواضع متعددی، آن هم در اجتماع باشکوه صحابه، اهل بیت را معرفی نموده است تا هیچ عذر و بهانه‌ای برای هیچ‌کس باقی نماند.



پیامبر خدا ﷺ به عنوان یگانه کسی که بی هیچ اختلاف، صلاحیت تفسیر قرآن، و بیان معانی پنهان آن را داراست،^{۱۹} و به تصریح قرآن کریم، هیچ‌گاه از خود سخنی نمی‌گوید و گفتارش برخاسته از وحی الهی است،^{۲۰} در تعیین مراد از آیه تطهیر و بیان مصداق آن، دو شیوه مؤثر برگزیده است:

۱. شیوه بیان گفتاری. ۲. شیوه بیان رفتاری.

مصداق آیه تطهیر در بیان گفتاری پیامبر ﷺ:

طبق روایات فراوانی که از طریق شیعه و سنی به دست ما رسیده، پیامبر گرامی ﷺ پس از نزول آیه تطهیر، پارچه‌ای به دست گرفت و علی رضی الله عنه، فاطمه رضی الله عنها، حسن و حسین رضی الله عنهما را به زیر آن برد و سپس فرمود:

«اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ عِرَّتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً».^{۲۱}

«پروردگارا! اینان اهل بیت من و اهل و خاندان من هستند، پس هرگونه آلودگی را از آنان دور گردان و به‌طور کامل پاکشان نما.»

تعداد این روایات که نزد شیعه و سنی به «حدیث کساء» شهرت یافته، به ده‌ها مورد بالغ می‌شود و جمع کثیری از صحابه پیامبر خدا آن را نقل کرده‌اند.

ام‌سلمه همسر پیامبر خدا ﷺ که طبق نقل بیشتر روایات، این جریان در خانه او روی داده، از پیامبر تقاضا می‌کند تا اجازه دهند او نیز به جمع اصحاب کسا پیوندد و از این فیض بزرگ بهره‌مند شود، اما پیامبر خدا از پیوستن او به جمع اصحاب کسا مانع شده و با تعبیر محبت آمیزی چون: «یرحمک الله، انت علی مکانک و انت علی خیر و الی خیر، و انتک من أزواج النبی و...»^{۲۲} «رحمت خدا بر تو باد، تو همواره به راه خیر و صلاح بوده‌ای و... از او دلجویی می‌کند. از همسران پیامبر به جز ام‌سلمه، عایشه^{۲۳} و زینب^{۲۴} نیز عین ماجرای فوق را نقل کرده و تصریح کرده‌اند که آیه تطهیر در مورد خمسه طیه نازل شده است.

بجز همسران پیامبر خدا ﷺ شمار زیادی از بزرگان صحابه^{۲۵} نیز در احادیثی که از آنان نقل شده، تصریح کرده‌اند که آیه تطهیر در مورد خمسه طیه، یعنی پیامبر ﷺ، علی رضی الله عنه، فاطمه رضی الله عنها، حسن و حسین رضی الله عنهما نازل شده است.

تعیین مصداق آیه تطهیر در بیان رفتاری پیامبر ﷺ:

روش دیگری که پیامبر برای تعیین مراد از آیه تطهیر، و بیان مصداق آن برگزیدند، این

بود که با به کار بردن شیوه‌ای ابتکاری و فراموش‌نشدنی، در مدت زمانی نسبتاً طولانی، به معرفی اهل بیت پرداختند. بدینسان که سپیده‌دم، هنگامی که برای اقامه نماز صبح از خانه خارج می‌شدند، به در خانه فاطمه علیها السلام رفته، می‌فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» الصَّلَاةُ رَحِمَكُمُ اللَّهُ.

«درود و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد. «خداوند اراده نمود تا هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و به طور کامل پاکتان سازد.» [وقت] نماز [است، مهیا شوید] رحمت خدا بر شما باد.»



مدت این روش رفتاری پیامبر را «ابوسعید خدری»^{۲۶} چهل روز، «انس بن مالک»^{۲۷} شش ماه، «ابو حمراء»^{۲۸} شش و در نقلی هفت یا هشت ماه و «ابن عباس»^{۲۹} نه ماه، اعلام داشته‌اند.

به نظر می‌رسد علت اختلاف در مدت زمان مذکور، این بوده که هریک از روایان ماجرا، تنها مدتی را که خود شاهد آن بوده، روایت کرده است. بنابراین، نقل‌های یادشده با هم ناسازگار نیست.

بدان‌گونه که ذکر شد پیامبر خدا از همان آغاز نزول آیه تطهیر، مصداق اهل بیت را معین نموده و راه را بر هر گونه تفسیر ناروا در مورد اهل بیت بسته‌اند. این اقدام پیامبر موجب شده است تا جز معدودی از کسانی که نظراتشان وزنی ندارد، کسی در اختصاص این آیه به پنج تن تردید نکند.

شمول آیه تطهیر نسبت به سایر امامان شیعه:

چنان‌که پیشتر گذشت، واژه «اهل بیت» در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله در میان امت اسلامی به طور ویژه، برای خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله به کار رفته، چنان‌که هرگاه این واژه بدون پسوند به کار



می‌رفته، همگان از آن، مصداقی جز خاندان پیامبر اسلام نمی‌فهمیده‌اند. و عنوان اهل بیت معرف خاندان پاک پیامبر بوده است.^{۳۰}

بدون شک، این مسأله به تبعیت از خود پیامبر خدا ﷺ و به جهت تأکید فراوانی بود که آن حضرت دربارهٔ افرادی خاص، با عنوان یادشده به عمل آورده بود. در واقع مصداق «اهل بیت» همان کسانی بودند که توسط پیامبر خدا ﷺ با عناوین دیگری همچون، عترت، اصحاب کسا، آل محمد ﷺ و... به امت اسلامی معرفی گردیدند.

اکنون می‌خواهیم بگوییم، مصداق اهل بیت پیامبر، بیش از افراد یادشده می‌باشند و اطلاق واژه «اهل‌البیت» بر افراد یادشده، از باب حصر نیست، به گونه‌ای که واژه «اهل‌بیت» به افراد مذکور اختصاص داشته باشد و سایر افراد اهل بیت را شامل نشود، بلکه جریان حدیث کسا، از قبیل تطبیق آیهٔ تطهیر بر موجودین اهل بیت بوده است، نه حصر در آنها؛ وگرنه، به عقیدهٔ دانشمندان امامیه و جمع کثیری از دانشمندان اهل سنت، همهٔ امامان دوازده‌گانه، جزو اهل بیت پیامبر خدا محسوب می‌شوند. این مطلب از روایاتی که در معرفی اهل بیت نقل شده، به خوبی استفاده می‌شود.

به عنوان مثال: طبق برخی از روایات، پیامبر ﷺ در شب ازدواج علیؑ و فاطمهؑ آیه تطهیر را تلاوت کرد و پس از ازدواج آنان تا چهل روز پیوسته به در خانهٔ آنها آمده و می‌فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ الصَّلَاةُ رَحِمَكُمْ اللَّهُ» «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» «أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ أَنَا سَلْمٌ لِمَنْ سَالَمْتُمْ».^{۳۱}

نیز شیعه و سنی پذیرفته‌اند که امام مهدیؑ که در آخر الزمان قیام خواهد کرد و با برچیدن بساط ظلم، حکومتی جهانی، بر اساس عدل و داد بنا خواهد کرد، جزو اهل بیت پیامبر خدا است.

نمونه‌هایی از احادیث پیامبر خدا که مفید این معنا است، چنین است:

علیؑ از پیامبر خدا نقل می‌کند که فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ».^{۳۲}

ابوسعید خدری از پیامبر نقل می‌کند: «الْمَهْدِيُّ مِنِّي...».^{۳۳} ام سلمه از پیامبر خدا نقل

می‌کند که فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ».^{۳۴}

چنان که می‌بینید، پیامبر خدا در احادیث یادشده، مهدی علیه السلام را از اهل بیت خود به شمار آورده‌اند، حال آن‌که مهدی علیه السلام نه تنها در آن زمان وجود نداشت، بلکه تا زمان تولد وی، حدود دویست و پنجاه سال باقی مانده بود.

همچنین دانشمندان تشیع و تسنن روایاتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که بر طبق آن، پیامبر خدا تعداد جانشینان خود و خلفای امت اسلامی را دوازده تن معرفی کرده‌اند. حضرت برای آنان اوصافی بر شمرده‌اند که مجموع آن اوصاف، جز بر امامان دوازده گانه تشیع، بر کس دیگری قابل تطبیق نیست. نمونه‌ای از نقل‌های روایات مورد نظر چنین است: مسلم در صحیح خود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ، أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».^{۳۵}

«همواره دین خدا استوار و پایرجاست، تا آن‌که قیامت به پا شود، یا دوازده نفر خلیفه برای شما وجود داشته باشند که همگی آنان از قریش‌اند.»

حدیث فوق را بخاری از سه طریق^{۳۶} مسلم از هشت طریق،^{۳۷} ابوداود از دو طریق،^{۳۸} ترمذی از سه طریق،^{۳۹} و احمد بن حنبل از ۳۲ طریق^{۴۰} نقل کرده‌اند.

ویژگیهای امامان در حدیث:

مهم‌ترین ویژگیهای امامان در حدیث مورد نظر، عبارت‌اند از:

۱. عدد آنان دوازده نفر است. «... اثنا عشر خلیفه...».
 ۲. همگی آنان از قریش‌اند. «... کلهم من قریش».
 ۳. این دوازده نفر خلفای کل امت‌اند، نه بخشی از امت.
- در حدیث جابر بن سمره آمده: «يَكُونُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً...»^{۴۱} در حدیث ابوجحیفه آمده: «لَا يَزَالُ أَمْرُ أُمَّتِي صَالِحًا حَتَّى يَمِضِيَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ...».^{۴۲}
- در حدیث عبدالله بن مسعود آمده: «إِنَّهُ سَتَلُ كَم يَمْلِكُ هَذِهِ الْأُمَّةَ مِنْ خَلِيفَةٍ؟ قَالَ: اثْنَا عَشَرَ كَعْدَةَ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ».^{۴۳}



مسروق^{۴۴} می گوید: ما در کوفه، نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او به ما قرآن می آموخت. مردی از او پرسید: ای ابا عبدالرحمان، آیا شما [اصحاب پیامبر ﷺ] از آن حضرت پرسیدید که این امت چند نفر خلیفه خواهند داشت؟

عبدالله در پاسخ گفت: از هنگامی که به عراق آمده ام تو نخستین کسی هستی که از من چنین پرسشی می کنی. آنگاه افزود: آری، ما از پیامبر خدا ﷺ این سؤال را پرسیدیم و آن حضرت در پاسخ ما فرمود: دوازده تن خواهند بود، به تعداد نقبای بنی اسرائیل.

چنانکه می بینید در همه روایات فوق، سخن از این است که این دوازده نفر، خلفای «امت» اند و واژه «امت» همه پیروان پیامبر خدا ﷺ را تا قیامت شامل می شود و به هیچ عنوان نمی توان واژه امت را به مسلمانان قرن اول یا دوم اختصاص داد.

۴. دوران خلافت اینان بلافاصله پس از پیامبر آغاز می شود «يَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا (خَلِيفَةً) كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».^{۴۵}

وقتی به گذشته امت اسلامی می نگریم، در میان آنان، جز امامان دوازده گانه اهل بیت پیامبر ﷺ، گروهی را نمی یابیم که جمعیت آنان دوازده نفر باشد، همگی از قریش باشند، خلفای کل امت اسلامی باشند. برای آنان ادعای خلافت شده باشد و خلافت شان بلافاصله پس از پیامبر آغاز شده و جهان هیچگاه از وجود یکی از آنان خالی نباشد.

دانشمندان اهل سنت در توجیه احادیث فوق کوشیده اند تا جمعی از حاکمان اموی و عباسی را گزینش نموده و به ضمیمه خلفای راشدین، دوازده نفر تعیین کرده و آنان را مصداق احادیث یادشده قرار دهند.

قاضی عیاض می گوید: خلفای دوازده گانه پیامبر خدا عبارتند از:

۱. ابوبکر ۲- عمر ۳- عثمان ۴- علی ﷺ ۵- معاویه ۶- یزید ۷- عبدالملک مروان ۸- ولید بن عبدالملک ۹- سلیمان بن عبدالملک ۱۰- یزید بن عبدالملک ۱۱- هشام بن عبدالملک ۱۲- ولید بن یزید بن عبدالملک.^{۴۶}

سیوطی می نویسد: هشت تن از خلفای دوازده گانه پیامبر خدا ﷺ عبارتند از: ۱- ابوبکر ۲- عمر ۳- عثمان ۴- علی ۵- حسن بن علی ۶- معاویه ۷- عبدالله بن زبیر ۸- عمر بن عبدالعزیز. وی آنگاه احتمال داده که دو نفر دیگر از خلفای دوازده گانه «المهتدی» و «الظاهر» از حاکمان عباسی باشند، چون این دو نفر به عقیده سیوطی افراد عادل بوده اند!

وی می‌افزاید: «و اما دو نفر دیگر باقی مانده‌اند که باید منتظر آنان بمانیم؛ یکی از آن دو، «مهدی» است که از اهل بیت پیامبر است.»^{۴۷}

و نفر دوم را مسکوت گذاشته و از وی نام نمی‌برد و بدینسان دانشمند پر معلوماتی مانند سیوطی، تنها توانسته به گمان خود، نام یازده نفر از خلفای دوازده گانه پیامبر خدا ﷺ را آن هم بر اساس حدس و گمان مشخص کند و از تعیین نفر دوازدهم، عاجز مانده است.

اما این توجیهاات، به دلایلی پذیرفته نیست؛ از جمله:

۱. خلفای راشدین نمی‌توانند مصداق احادیث فوق باشند، چون:

اولاً: عددشان کمتر از دوازده نفر است.

ثانیاً: خلفای کل امت نیستند؛ زیرا دوران خلافتشان حدود سی سال بیشتر ادامه نیافته است.

۲. حاکمان اموی نیز نمی‌توانند مصداق احادیث باشند، زیرا:

اولاً: عددشان بیشتر از دوازده نفر است.

ثانیاً: خلفای کل امت نیستند، بلکه دوران حکومت آنان در اوایل قرن دوم هجری (سال ۱۳۲ هـ.) پایان یافته است.

ثالثاً: اکثر قریب به اتفاق آنان افرادی فاسق و ستمگرند؛^{۴۸} و زندگی آنان هیچ شباهتی به زندگی پیامبر خدا ﷺ نداشته است، تا بتوان آنان را جانشین پیامبر دانست.

رابعاً: حکومتشان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ نبوده است.

۳. حاکمان عباسی نیز نمی‌توانند مصداق احادیث خلفای اثنا عشر باشند؛ زیرا:

اولاً: عدد آنان بیش از دوازده نفر است.

ثانیاً: خلفای کل امت نبوده‌اند، بلکه حکومت آنان در سال ۱۳۲ هـ. آغاز شده و در اواسط قرن هفتم هجری با سقوط بغداد پایان یافته است.^{۴۹}

ثالثاً: اکثر قریب به اتفاق آنان افرادی ظالم، ستمگر و بی‌دین بوده‌اند،^{۵۰} و زندگی و عملکرد آنان هیچ شباهتی به زندگی و عملکرد پیامبر خدا ﷺ نداشته است.

رابعاً: حکومت‌شان بلافاصله پس از پیامبر خدا نبوده است.

افزون بر مباحث گذشته، چنانکه دیدیم، اکثر کسانی را که دانشمندان اهل سنت به عنوان مصداق احادیث خلفای اثنا عشر برگزیده‌اند، حاکمان اموی‌اند، و اینان کسانی هستند که



پیامبر خدا ﷺ آنان را مورد لعن و نفرین قرار داده است.^{۵۱} همچنین، حافظان اهل سنت از پیامبر ﷺ احادیث صحیحی نقل کرده‌اند که نشان می‌دهد، در هر عصری برای مردم آن عصر، امامی وجود دارد و مسلمانان وظیفه دارند آن امام را بشناسند و بیعت او را برگردن داشته باشند؛ و عظمت این امام به حدی است که هر کس بمیرد و او را نشناسد و در بیعت او قرار نداشته باشد، مرگش از نوع مرگ جاهلی است. در حدیثی از پیامبر آمده است:

«مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».^{۵۲}

هر کس بمیرد و بیعت امامی را برگردن نداشته باشد به مرگ جاهلیت مرده است.

و از آن حضرت نقل است که فرمود: «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».^{۵۳}

و نیز فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».^{۵۴}

نیز حافظان اهل سنت در احادیث دیگری از پیامبر نقل کرده‌اند که فرمود:

«لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ فِي قُرَيْشٍ مَا بَقِيَ مِنَ النَّاسِ أَثْنَانٌ».^{۵۵}

همواره امر خلافت در میان قریش است، تا آن گاه که دو نفر انسان در جهان باقی باشند.^{۵۶}

احادیث دسته اول می‌گفت: در هر زمانی امامی وجود دارد که مردم وظیفه دارند او را بشناسند و در بیعت او قرار داشته باشند و حدیث دسته دوم می‌گفت: آن امام باید از تبار قریش باشد. براین اساس، امت اسلامی وظیفه دارند پس از پیامبر خدا ﷺ تا قیامت در هر زمانی، در بیعت امامی قرار داشته باشند که از تبار قریش و از دودمان پیامبر خدا ﷺ باشد. حال آن‌که این معنا، به هیچ روی با توجیهاات دانشمندان اهل سنت در مورد احادیث خلفای اثنا عشر سازگار نیست و امروز اهل سنت فاقد چنین خلیفه‌ای می‌باشند. حال آن‌که باید همواره از وجود چنین امام و خلیفه‌ای برخوردار باشند.

آری، مجموعه این احادیث مؤید دیدگاه دانشمندان شیعه امامیه در مورد امامان و خلفای دوازده گانه پیامبر خدا است. دانشمندان شیعه معتقدند مصداق احادیث خلفای اثنا عشر، امامان دوازده گانه‌ای هستند که همگی آنان از اهل‌بیت پیامبر خدا می‌باشند و خلافت آنان نیز

لزوماً به معنای حکومت ظاهری نیست، بلکه به معنای حقی الهی و استحقاقی است که از جانب خدا و توسط پیامبر ﷺ به آنان اعطا شده است. نخستین فرد این سلسله علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین فرد آنان مهدی موعود علیه السلام است که از عمری غیرمتعارف و طولانی برخوردار می‌باشد؛ چنانکه جهان هیچ‌گاه از وجود یکی از آنان خالی نبوده و نخواهد بود. تردیدی وجود ندارد که بشارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آمدن دوازده خلیفه پس از ایشان، یک سخن عادی نبوده، بلکه بشارتی الهی است که توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ابلاغ شده است. چرا که پیامبر شخصیتی است که هیچ‌گاه از پیش خود سخن نمی‌گوید و سخن او جز وحی الهی چیزی نیست.

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ...» آن هم در مورد موضوع مهمی مانند جانشینان خود و رهبران امت اسلامی.

حال که بشارت، بشارتی الهی است و بشارت دهنده پیامبر خدا است، باید مصادیق بشارت نیز الهی و از جانب خدا بوده و تعیین آنان توسط خدا و پیامبر صورت گیرد. معنا ندارد که بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله بشارتی الهی باشد، بشارت دهنده پیامبر خدا باشد، اما تعیین مصادیق بشارت، آن هم دربارهٔ چنین مسألهٔ مهمی، به عالمان دربار حاکمان اموی و عباسی سپرده شود تا آنان بر اساس ذوق و سلیقه و گرایش‌های فکری خود، در این باره تصمیم بگیرند و هر کسی عده‌ای را به عنوان مصداق این بشارت معرفی کند و حاصل انتخاب آنان این باشد که عده‌ای از عناصر شیطانی و اهریمنی از دودمان بنی‌امیه و بنی‌عباس به عنوان جانشینان پیامبر خدا تعیین و معرفی شود.

افزون بر مباحث گذشته، دانشمندان شیعه و شماری از دانشمندان اهل سنت، احادیثی از پیامبر خدا نقل کرده که به صراحت نشان می‌دهد همهٔ امامان دوازده‌گانه، جزو اهل بیت پیامبرند. علاقه‌مندان می‌توانند این احادیث را در تفاسیر روایی شیعه؛ مانند نورالثقلین، تفسیر قمی و... در ذیل آیهٔ تطهیر و آیهٔ اُولی الْأَمْرِ^{۵۷}، و یا در کتابهایی مانند کافی، کفایة الأثر، فرائد السمطين، ینابیع الموده و... ملاحظه کنند.



پی‌نوشت‌ها:

۱. «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ النَّبِيِّتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» احزاب: ۳۳؛ «خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند».
۲. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ».
۳. «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» نجم: ۳ و ۴
۴. صحیح مسلم، کتاب فضائل صحابه ح ۳۶؛ سنن ترمذی ۵ / ۳۲۹. سلفیه؛ مستدرک حاکم ۱۴۸/۳؛ مسند احمد ۱۷/۳؛ معجم کبیر طبرانی ۱۹۰/۵ و ۲۰۵، چاپ عراق؛
۵. صحیح مسلم، کتاب فضائل صحابه، ح ۳۶؛ سنن ترمذی ج ۵، ص ۳۲۹؛ سلفیه؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۸؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷؛ معجم کبیر طبرانی، ج ۵، ص ۱۹۰ و ۲۰۵، چاپ عراق
۶. صحابی رسول خدا ابوذر از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود: «مَثَلُ أَهْلِ نَبِيِّتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ». مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۳۴۳؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۹، ص ۲۶۵، دارالفکر ۱۴۱۴ هـ؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۱۲، ص ۹۱؛ حلیة الاولیاء، ابونعیم، ج ۴، ص ۳۰۶؛ دارالمنثور، ج ۴، ص ۳۳۴
۷. دیوان امام شافعی، جمع‌آوری از: محمد عبدالرحیم، ص ۳۳۴، دارالفکر.
۸. قاموس قرآن، سید علی‌اکبر قریشی، ج ۱، ص ۱۳۷
۹. تهذیب تاریخ دمشق، ج ۴، صص ۲۰۸ و ۲۰۹؛ تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۲۵، ص ۲۰۹ چاپ سوم؛ فتح‌القدیر، شوکانی، ج ۴، ص ۲۰۸؛ دارالمعرفه؛ الجامع لأحكام القرآن، قرطبی، ج ۱۴، ص ۱۸۳ دار احیاء التراث العربی بیروت.
۱۰. تهذیب تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۴، ص ۲۰۹، دار احیاء التراث العربی بیروت.
۱۱. در المنثور سیوطی، ج ۶، ص ۶۰۲ دار الفکر؛ فتح‌القدیر شوکانی، ج ۴، ص ۲۷۸، دارالمعرفه.
۱۲. معجم کبیر طبرانی، ج ۵، ص ۱۸۲، ح ۵۰۲۶؛ درالمنثور، ج ۶، ص ۶۰۵؛ فتح‌القدیر، ج ۴، ص ۲۸۰؛ قرطبی، ج ۴، ص ۱۸۳
۱۳. شواهد التنزیل، حاکم حسانی ۳۳/۲، ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۵۰، ۳۰، ۲۷، ۲۶، ۲۸، ۲۹؛ تفسیر ابن کثیر ۴۹۳/۳، ۴۹۴، ۴۹۲؛ مستدرک حاکم ۱۵۰/۳، ۱۴۶، ۱۴۷؛ در المنثور ۶۰۵/۶، ۶۰۳، ۶۰۴؛ تفسیر طبری ۸/۲۲، ۷؛ تلخیص المستدرک ذهبی ۱۴۷/۳؛ سنن کبری، بیهقی ۶۳/۷؛ مشکل الآثار، طحاوی ۳۳۲/۱، ۳۳۴؛ مسند احمد ۳۹۱/۱ و ۴۵/۶ و ۱۷۷/۱ و ۱۹۷؛
- صحیح مسلم، کتاب فضائل صحابه باب ۴؛ و کتاب فضائل، باب فضائل اهل بیت‌النبی ﷺ باب ۹، سنن ترمذی، کتاب مناقب باب ۲۱، و ۳۲؛ فرائد السمطین ۲۲/۲، ۱۸، ۱۵.
۱۴. آیه‌التطهیر فی احادیث الفریقین، سیدعلی موحد ابطحی، ج ۱ و ۲، ۱۴۰۴ هـ.
۱۵. جوامع الجامع، طبرسی، ص ۳۷۲
۱۶. تفسیر جوامع الجامع، ص ۳۷۲
۱۷. احزاب / ۳۳

۱۸. پس از این، در این باره مباحث بیشتری بیان خواهیم داشت.
۱۹. ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...﴾. نحل: ۴۴
۲۰. ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾. نجم: ۳ و ۴
۲۱. شواهد التنزیل ۳۴/۲، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۵۰؛ تفسیر ابن کثیر ۳/۴۹۲ و ۴۹۴؛ مستدرک حاکم ۳/۱۴۶ و ۱۵۰؛ مشکل الآثار، طحاوی ۱/۳۳۴؛ تفسیر طبری ۷/۲۲ و ۸؛ مسند احمد ۱۰/۱۷۷؛ مصنف ابن ابی شیبہ ۶/۳۷۰ کتاب فضائل باب ۱۸.
۲۲. همان.
۲۳. همان.
۲۴. فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۸
۲۵. اسامی آنان و منابعی که سخنان آنها در آن ثبت شده بیشتر در صفحه ۱۹۹ گذشت.
۲۶. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۴؛ درالمنثور، ج ۶، ص ۶۰۶
۲۷. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۴۹۲؛ شواهد التنزیل، ج ۲، صص ۱۸، ۲۱، ۲۲ و ۲۵
۲۸. درالمنثور، ج ۶، صص ۶۰۷ و ۶۰۶؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۴۹۲
۲۹. درالمنثور، ج ۶، ص ۶۰۶
۳۰. مفردات الفاظ القرآن، راغب، ص ۶۴، دارالکتب العلمیه، قم - ایران.
۳۱. در المنثور، سیوطی ۶/۶۰۶، دارالفکر بیروت ۱۴۰۳ هـ؛ مجمع الزوائد، هیثمی ۹/۲۶۷؛ دارالفکر، بیروت ۱۴۱۴ هـ.
۳۲. سنن ابن ماجه، کتاب الفتن باب ۳۴؛ مسند احمد ۱/۸۴؛ سنن ابی داود کتاب المهدی؛ مستدرک حاکم ۴/۵۵۷؛ درالمنثور ۶/۵۸
۳۳. سنن ابن ماجه، کتاب الفتن باب ۳۴؛ مسند احمد ۱/۸۴؛ سنن ابی داود کتاب المهدی؛ مستدرک حاکم ۴/۵۵۷؛ درالمنثور ۶/۵۸
۳۴. سنن ابن ماجه، کتاب الفتن باب ۳۴؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴؛ سنن ابی داود کتاب المهدی؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷؛ درالمنثور، ج ۶، ص ۵۸
۳۵. صحیح مسلم کتاب اماره، باب ۱
۳۶. صحیح بخاری کتاب احکام، باب ۵۱؛ تاریخ الکبیر بخاری، ج ۳، ص ۱۸۵، ج ۸، ص ۴۱۱؛ دارالفکر، بیروت.
۳۷. صحیح مسلم کتاب اماره باب ۱
۳۸. سنن ابی داود، کتاب المهدی.
۳۹. سنن ترمذی، کتاب الفتن، باب ۴۶
۴۰. مسند احمد، ج ۵، ص ۱۰۶، ذیل احادیث جابر بن سمره.
۴۱. مسند احمد ۵/۱۰۶؛ معجم کبیر طبرانی ۲/۱۹۸؛ کنز العمال ۱۲/۳۳ الرساله.
۴۲. مستدرک حاکم ۳/۶۱۸؛ مجمع الزوائد ۵/۱۹۰؛ قدیم؛ تاریخ بخاری ۱۱/۴۱۱؛ کنز العمال ح ۳۳/۱۴۹
۴۳. مسند احمد ۲/۵۵۷؛ مستدرک حاکم ۴/۵۰۱؛ مجمع الزوائد ۵/۳۴۴؛ فتح الباری ۱۳/۲۱۱؛ سلسله

- الصحيحه، البانی ۷۱۹/۲ و ۷۲۰
۴۴. وی از بزرگان تابعین است.
۴۵. سنن ترمذی، کتاب فتن باب ۴۶؛ معجم کبیر طبرانی ۲۱۴/۲، مسند احمد ۹۹/۵
۴۶. فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۱۴، دارالمعرفه.
۴۷. تاریخ الخلفاء، سیوطی ص ۱۰-۱۲ دار القلم بیروت ۱۴۰۶ هـ.
۴۸. الصواعق المحرقة، ص ۲۱۹ چاپ مصر.
۴۹. بخشی از آنان نیز تا قرن نهم ه در مصر حکومت داشته‌اند.
۵۰. ینابیع الموده، حنفی قندوزی، ج ۲، ص ۵۳۵
۵۱. فتح‌القدیر، ج ۳، ص ۲۴۰؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۵؛ مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۳۰۸ و، ج ۵، ص ۴۳۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص ۲۸۶
۵۲. صحیح مسلم، کتاب اماره، ج ۵۸؛ سنن بیهقی، ج ۸، ص ۱۵۶؛ سلسله الصحیحه البانی، ج ۲، ص ۷۱۵؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶
۵۳. مسند ابی داود طیالسی ص ۲۵۹؛ مسند احمد ۴۴۶/۳؛ تاریخ بخاری ۴۴۵/۶
۵۴. شرح المقاصد تفتازانی ۲۳۹/۵
۵۵. صحیح مسلم، کتاب اماره باب ۱، صحیح بخاری ۲۱۸/۴ و ۷۸/۹ دارالجیل بیروت.
۵۶. با این مضمون احادیث فراوان دیگری نیز وجود دارد.
۵۷. نساء: ۵۹

